



پنج) بول حیواناتی که برای خورده شدن خلق شده‌اند مثل گوسفند و گاو طاهر است ولی بول آن حیواناتی که برای بار بردن خلق شده‌اند اگرچه ممکن است خورده شوند، نجس است.

در تأیید این جمع ممکن است به روایت اول و دوم از دسته سوم اشاره کنیم، در این دو روایت، گویی زراره می‌داند که بول مأكول اللحم طاهر است و لذا سؤال می‌کند که «أليس لحومها حلال» و حضرت پاسخ می‌دهند که «لیس مما جعله الله للأكل» و به همین جهت این روایت مفسر روایات مأكول اللحم است^۱ (روایت ۱ دسته چهارم، ۴ دسته ششم، ۳ دسته ششم، ۲ دسته ششم، ۶ دسته ششم، ۹ دسته ششم) و روایات «دواب» (روایت ۱ دسته اول، ۱ دسته ششم، ۱ دسته پنجم) و همچنین با صریح روایت ۲ دسته دوم سازگار است. اما مطابق این جمع، باید در مورد شتر هم همین حکم را جاری کرد، الا اینکه علت خلقت شتر را هم اکل و هم رکوب بدانیم (و روایت ۱ دسته چهارم می‌تواند بول شتر را قسم سوم قرار دهد)

اما مشکل این جمع، با روایت ۵ دسته شش است که در آن بول حمار طاهر دانسته شده است. و همچنین با روایت ۳ دسته ششم هم که صراحتاً نجاست را مربوط به محرم الاکل‌ها (و نه مکروه) می‌داند، ناسازگار است. ما می‌گوییم:

مرحوم صاحب حدائق به همین قول آخر گرایش دارد و درباره آن به طور مفصل سخن گفته است: (این قول چنین است: بول و روث در حیواناتی که برای خوردن خلق شده‌اند پاک است ولی در حیواناتی که برای خوردن خلق نشده‌اند یعنی حمار و اسب و قاطر، بول نجس است و روث پاک است.) [ما درباره حکم روث بعداً سخن خواهیم گفت].

ایشان ابتدا قول مشهور اصحاب را چنین برمی‌شمارد:

«(الموضع الرابع) - فی أبوال الدواب الثلاث الخیل و البغال و الحمیر و أرواثها فالمشهور بین الأصحاب (رضوان الله علیهم) القول بالطهارة علی کراهیة، و نقل عن ابن الجنید و الشیخ فی النهاية القول بالنجاسة فیهما، قال الشیخ فی المبسوط: ما یکره لحمه یکره بوله و روثه مثل البغال و الحمیر و الدواب و ان کان بعضه أشد کراهة من بعض، و فی أصحابنا من قال بول البغال

^۱ . در تأیید این مطلب ن ک الحدائق الناضرة، ج ۵، ص ۲۸



و الحمير و الدواب و أرواثها نجس يجب إزالة قليله و كثيره. و المستفاد من الأخبار الصحيحة الصريحة - كما ستمر بك ان شاء الله تعالى - هو القول الثاني لكن بالنسبة إلى الأبوال دون الأرواث.^۱

ما می گوئیم:

۱. «طهارت بالکراهیه» تعبیر صحیحی نیست چرا که کراهت از احکام تکلیفی است و طهارت حکم وضعی است (و بعید است تشکیک در احکام وضعی جاری شود). و لذا مراد آن است که طاهر هستند ولی مکروه است که نماز در آنها اقامه شود).
۲. مطابق نقل صاحب حدائق در مورد بول و روث این سه حیوان (اسب و قاطر و الاغ) سه قول وجود دارد: طهارت همراه با کراهت / نجاست بول و روث / نجاست بول و طهارت روث و در ادامه به قول چهارمی که توقف باشد هم اشاره می کند (که مربوط به صاحب مدارک است).
۳. ایشان سپس می نویسد که فقها در این مسئله آنگونه که حق مسئله بوده است ورود پیدا نکرده اند و می نویسد: «و ظاهر صاحب المدارک هنا التوقف مع اعترافه بصحة الروایات الدالة على النجاسة و صراحتها و عدم صلاحية المعارض للمعارضة رعاية لشهرة القول بالطهارة بين الأصحاب مع انه فی شرحه فی غیر موضع انما یدور مدار الروایات الصحيحة و ان استلزم مخالفة الأصحاب كما لا يخفى على من له انس بطريقته فی ذلك الكتاب»^۲
۴. ایشان سپس می نویسد که محقق اردبیلی، شیخ سلیمان بحرانی و شیخ جواد کاظمی (از علمای شیعه) به آنچه مرحوم صاحب حدائق قائل است (نجاست بول و طهارت روث) قائل شده اند.
۵. مرحوم صاحب حدائق سپس روایات دال بر نجاست (که ما به عنوان دسته اول ذکر کردیم) را مطرح می کند و می نویسد که فقهای شیعه اصلاً متعرض این روایات نشده اند و تنها برخی از ایشان به معدودی از آنها اشاره کرده اند.
۶. ایشان در ادامه به آنچه در تقریر جمع پنجم مطرح کردیم، اشاره می کند و به سراغ اجماعی مرکب می رود که اگر ثابت شود، مبنای ایشان را با مشکل مواجه می کند. (و به این مطلب به عنوان آخرین روایت از دسته ششم اشاره کردیم).

^۱ . الحدائق الناضرة، ج ۵، ص ۲۰

^۲ . همان، ص ۲۱



«الإجماع المركب و هو ان كل من قال بنجاسة الأبوال قال بنجاسة الأرواث و من قال بطهارة الأبوال قال بطهارة الأرواث فالقول بالنجاسة في الأبوال مع طهارة الأرواث خرق للإجماع المركب. و هذا الدليل و ان لم يصرحوا به في كلامهم و يعدوه دليلا برأسه إلا انه مستنبط منه»^۱

مرحوم صاحب حدائق در ادامه به پاسخ از «اجماع مرکب» اشاره می‌کند (بلکه می‌توان در مورد طهارت بول دواب، حتی حمار و بغال و خیل، نقل اجماعات بسیط را هم یافت چنانکه مرحوم خویی در این باره «اجماع قطعی» را ادعا کرده بود)؛

ایشان ابتدا می‌نویسد فقها بسیار با اجماعات نقل شده، بلکه اجماعاتی که خودشان ادعا کرده‌اند، مخالفت می‌کنند و می‌نویسد:

«و قد كان عندی رسالة لشيخنا الشهيد الثاني قد تصدى فيها لنقل جملة من المسائل التي ناقض الشيخ بها نفسه بدعواه الإجماع على الحكم في موضع ثم يدعيه على خلافه في موضع آخر و فيها ما ينيف على سبعين مسألة. و الحق ان هذه الإجماعات المتناقلة لا تخرج عن مجرد الشهرة كما حققه شيخنا الشهيد في صدر الذكرى و اليه أشار المحقق الشيخ حسن في كلامه المتقدم الذي أشرنا اليه.»^۲

و در ادامه می‌نویسد:

«فإنه أى مانع عقلى أو شرعى يمنع من الفتوى فى المسألة إذا قام الدليل على ذلك و ان لم يقل به قائل من السابقين؟ و اشتراط القول بوجود قائل من المتقدمين و ان قال به شذوذ منا إلا ان المحققين على خلافه، كيف و لو اشترط ذلك لم تتسع دائرة الخلاف فى المسائل و الأحكام و لا انتشر فيها النزاع و الخصام الى ما عليه الآن من الاختلاف حتى انك لا تجد حكما من الأحكام إلا و قد تعددت فيه أقوالهم إلى ثلاثة أو أربعة أو خمسة فزائدا و هى تتجدد بتجدد العلماء لانحصار الفتوى فى الشيخ فى زمنه، و قد نقل بعض الأصحاب انحصار الفتوى فيه (قدس سره) و انه لم يبق بعده إلا ناقل أو حاك حتى انتهت النوبة الى ابن إدريس ففتح باب الطعن على الشيخ و المخالفة له فى كثير من المسائل ثم اتسع الباب شيئا فشيئا و انتشر الخلاف الى ما ترى، على انه قد صرح شيخنا الشهيد الثانى فى المسالك - و هو القدوة لكل داخل فى هذا الباب و سالک - بأنه متى

۱. همان، ص ۲۸

۲. همان، ص ۳۰



قام الدلیل للفقیه علی حکم فی مسألة من المسائل جاز له الإفتاء فیها بما قام الدلیل علیه عنده و
ان ادعی فیہ الإجماع قبله فضلاً عن انه لم یقل بها قائل من المتقدمین»^۱

ما می گوئیم:

۱. تقریباً تمام اهتمام و توجه مرحوم صاحب حدائق به روایت حلبی است که پیش از این آن را نقل کردیم
(روایت ۱ از دسته یک) و مجدداً به آن اشاره می‌کنیم:

« مُحَمَّدٌ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبَانَ عَنْ الْحَلْبِيِّ عَنْ
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِرَوْثِ الْحُمْرِ وَ اغْسِلْ أَبْوَالَهَا. »^۲

و چنانکه روشن است در این روایت به صراحت حکم به غسل بول حمار (که ملازم با نجاست آن است) و
عدم البأس در روث حمار (که ملازم با طهارت آن است) شده است.

۱. همان

۲. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۰۶، ح ۳۹۹۴